

سازمان محیط‌زیست در گفت‌وگو با «شرق»:

معاون پیشین محیط طبیعی

روسای قبلی سازمان

دانش محیط‌زیستی

نداشتند



«**صدرا محقق**»

محمدباقر صدوق، مشاور کنونی رییس سازمان حفاظت محیط‌زیست و عضو کمیته پژوهشی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیصی است، سابقه حضور او در سازمان حفاظت از محیط‌زیست به اولین روز‌های پس از انقلاب و دولت «مهندس بازرگان» برمی‌گردد. از همان زمان تا همین امروز او همیشه در این سازمان بوده و در پیشینه کاری‌اش دویار تجربه معاونت محیط‌زیست طبیعی سازمان، دویار مدیر کلّی استان‌های تهران و مرکز و یکبار نامزدی سمت ریاست سازمان دیده می‌شود. از سویی دیگر بسیاری از کارشناسان و دوستداران طبیعت در ایران او را یکی از خوش‌نام‌ترین مدیران این سازمان می‌دانند و در سال ۸۸ وقتی زمره انتخاب او برای ریاست سازمان محیط‌زیست بر سر زبان‌ها افتاد بسیاری از آن استقبال کردند. محمدباقر صدوق فرزند روحانی شهید حجت‌الاسلام صدوق اراکی و متولد شهر قم است، به گفته خودش رابطه بسیار خوبی با بلندپایه‌ترین مقام‌های سیاسی کشور دارد با این همه او را باید یکی از منتقدان اصلی وضعیت زیست‌محیطی کشور هم به شمار آورد. او نسبت به عملکرد اغلب روسایی که تاکنون برای سازمان حفاظت از محیط‌زیست کشور انتخاب شده‌اند، انتقاد دارد و وضعیت زیست‌محیطی کشور را نزولی می‌داند. پیرامون موضوع انتخاب رییس جدید سازمان و وضعیت و تاریخ حفاظت از محیط‌زیست کشور به سراغ او رفتیم. این دیدار در طبقه نهم ساختمان سازمان، واقع در پارک پردیسان انجام شد. گفت‌وگوی زیر حاصل این دیدار است:

ک شما ۳۵سال است که در سازمان حفاظت از محیط‌زیست کار می‌کنید، با همه زیربوم و خوب‌بودن این سازمان در این مدت همراه بودید، در این سال‌ها سازمان روسای مختلفی را در راس خود داشته است. این دوره‌های مختلف به چه شکل گذشت؟ چه دوره‌ای خوب بود چه دوره‌ای سخت گذشت؟

من تاکنون با هفت رییس سازمان حفاظت محیط‌زیست کار کرده‌ام، اولی آقای سمعی، در دولت مهندس بازرگان، بعد هم به ترتیب آقایان ابتکار، میرزاطاهری، منافی و خاتم‌ها ابتکار و واعظ جوادی. حالا هم آقای محمدی‌زاده، اما هیچ‌کدام از این هفت‌نفر دانش محیط‌زیستی نداشتند. روندی که سازمان محیط‌زیست از ابتدای انقلاب تاکنون داشت همیشه نزولی بود، چون که در ایران کسی ندغدغه محیط‌زیست را ندارد. با وجود اینکه این مساله به صراحت در قانون آمده اما دولت‌ها توجهی به این مساله نمی‌کنند چون دنبال برنامه‌های دیگری هستند.

ک به نظر تان مشکل کار کجاست، یعنی چرا با این تاکید صریح قانون و عمر ۳۵ساله این سازمان، حفاظت از محیط‌زیست در کشور ما موفق عمل نکرده و به تعبیر شما روند کار آن همیشه نزولی بوده است؟

یکی از مشکلات اصلی کشور ما سیستم «اره بنداز جانبدار» است اینکه گفته می‌شود اول باید کاری را شروع کرد و به سراجمان رساند بعد به فکر جالنداختن و توجیه آن برای مردم بود. اما حفاظت از محیط‌زیست تدریجی است و یکدفعه اتفاق نمی‌افتد، برای مثال مانند آنفلوآنزای پرندگان نیست که یکباره رخ دهد و دولت هم بسجش شود و پول و تلاشی صرف کند تا آن را ریشه‌کن کند، آسیب‌های زیست‌محیطی اینطور نیست،سلسله اتفاق‌هایی دست‌به‌دست هم می‌دهد و عاقبت تبعات آن را در جایی به شکل بحران متوجه می‌شویم، شما روزنامه‌های سال ۵۴ را نگاه کنید، آن موقع هم از مشکل آلودگی هوای تهران مطلب می‌نوشتند هنوز هم می‌نویسند. این نشان می‌دهد، قدم مثبتي در این سال‌ها برداشته نشده است، توسعه انفجارسیاحت‌ها و ناپایدار به طبیعت ما به شدت آسیب زده است. محیط‌زیست در این کشور همیشه چرخ پنجم توسعه بوده و دولت‌ها بی‌توجه و بدون احساس نیاز به آن، عمل می‌کردند.اگر چه گفته می‌شود ما باید به سمت توسعه پایدار برویم اما من به درس قاطع می‌گویم در ایران ما به سرعت به سمت توسعه ناپایدار در حال حرکت هستیم.

ک گفتید که در این دوره فعالیت‌تان در سازمان حفاظت از محیط‌زیست با هفت‌رییس کار کرده‌اید و به تعبیر شما همه این مدیران هم فاقد دانش زیست‌محیطی بودند، دوره ریاست هر کدام از اینها برای سازمان چطور گذشت؟

این سازمان به عمر خود به لحاظ ورود آدم‌های غیرمرتبط دوره‌های مختلف و عجیبی را دیده است، قبل از انقلاب دوره سرهنگ‌ها را به خود دید، بعد از انقلاب تا دوره‌ای بدنه سازمان خوب و کارشناسی بود، اما در دوره آقای میرزاطاهری آموزش‌وپرورش‌ی‌ها به سازمان آمدند، در زمان آقای منافی ما کمترین تغییرات را داشتیم هرچه بود از بدنه سازمان بود، در دوره خاتم ابتکار هم دوره هیأت علمیه و دانشگاهی‌ها بود، کسانی که با محیط‌زیست مرتبط بودند اما فقط کار علمی کرده بودند و فاقد تجربه اجرایی بودند، بعد از پایان دوره هم در سازمان نماندند و رفتند در دوره خاتم جوادی به عمدتا دوره خود نیروهای سازمان بود، البته از بیرون نیرو آمد اما تعدادشان زیاد نبود، در دوره محمدی‌زاده هم می‌توان گفت دوره وزارت کشوریی‌ها بود. البته همه آنها وقتی آمدند می‌گفتند که ما مستاجریم و شما صاحبخانه اما در اصل آنها مستاجراتی هستند که صاحبخانه را بیرون کرده‌اند.

ک به نظر شما کدام‌یک از این مدیران در مجموع پرونده مثبت‌تر و بهتری از خود به جای گذاشت؟

هر چیزی باید در دوره زمانی و مکانی خودش در نظر گرفته و بررسی شود.

ک شما هم با در نظر گرفتن همین پارامترها جواب دهید.

به نظر من براساس روندی که داشتیم دوره مدیریت آقای منافی دوره خوبی بود، چون سازمان از کارشناسان خود، تهی نشده بود. اما دوران طلایی کشور در زمینه حفاظت از محیط‌زیست در زمان دولت خاتمی بود چون نگاهی که به مساله محیط‌زیست می‌شد نگاهی انسانی بود، اما با این حال ما خوب نتوانستیم از آن دوره استفاده کنیم، به نظر من بدترین دوره را هم در همین دوره اخیر و دولت دهم تجربه کردیم.

ک وقتی می‌گویید نتوانستید از دوره اصلاحات و نگاه انسانی دولت خاتمی استفاده کنید مشخصاً منظور تان چیست و چرا نتوانستید؟

چون تیم ما تیم کلمی نبود، به‌ویژه در بخش مدیریت محیط طبیعی، ما در این بخش کم آوردیم، ما در سازمان کادرسازی نکردیم، به صورت طبیعی در یک سازمان اگر آن را به شکل یک هرم در نظر بگیریم نیرو از قاعده هرم وارد می‌شود و به مرور بالا می‌آید تا به راس هرم برسد، اما ما در این سال‌ها از پهلوی به این هرم نیرو وارد کردیم، این روش قاعده‌مند و صحیح نبوده و به ضرر سیستم است. در طول دوران این ۲۰ و خورده‌ای سال تنها در دوره منافی و مفدار کمی هم در دوره ابتکار کادرسازی شد، اما با تغییراتی که شد مدیران این سازمان همیشه مبتنی‌بوسی می‌آیند انبوسویی می‌روند. همین الان سازمان حفاظت محیط‌زیست پنج معاون دارد اما یکی از این معاونان از بدنه سازمان نیست.



عکس: سبز/پرس

بود که در حرم حضرت معصومه(س) در قم انجام می‌شد. آنجا تعدادی از جیب‌برهای حرفه‌ای را استخدام کردند تا جیب‌برهای حرم را شناسایی و دستگیر کنند، چون روش‌ها را می‌شناختند، ما هم با این کار شکارچی‌های مختلف را هم مهار می‌کردیم و هم به آنها شخصیت می‌دادیم. الان اما قوانین تغییر کرده و قانون گذاشته‌اند افراد باید حتما درجه فوق دیپلم داشته باشند این حد و مرزها برای استخدام محیطبان صحیح نبود. کار در بیابان و به عشق طبیعت دیپلم و فوق دیپلم نمی‌شناسند و نمی‌خواهد.

ک شما به نوعی به کار همه روسای قبلی سازمان که از بیرون آمده بودند انتقاد کرده‌اید، در میان کادر کنونی سازمان محیط‌زیست فرد یا افراد توانمندی وجود دارند که بتوانند ریاست آن را بر عهده بگیرد؟

نه، به نظر من الان کسی را نداریم، روسای سازمان همیشه از بیرون آمده‌اند ایرادی هم ندارد اما ما معتقدیم که تیمی که انتخاب می‌شود به‌عنوان معاون و مدیران کل باید داخل سازمان انتخاب شوند، به اعتقاد من در بین بچه‌های خودمان در حد معاونت آدم‌های بسیار توانمندی داریم خودم می‌توانم برای هر پست اعم از معاونت و مدیریت پنج تا ۱۰ فرد توانمند از داخل سازمان پیشنهاد دهم. اما افرادی که از بیرون می‌آیند نه کار ما را می‌شناسند نه خود سازمان را و این خیلی دردناک است.

ک ریاست این سازمان از نظر شما چه قابلیت‌هایی باید داشته باشد که در بین کادر داخلی فرد مناسبی برای آن پیدا نمی‌شود و از بیرون هم هر کسی که می‌آید تاکنون نتیجه کاملاً مطلوبی از خود به جا نگذاشته است؟

کسی که می‌خواهد رییس این سازمان شود باید در وهله اول از محیط‌زیست شناخت و دانش کافی داشته باشد چون بدون شناخت، انجام کار در این سازمان امکان‌پذیر نیست، در رابطه با دومین ویژگی هم باید گفت با توجه به اینکه محیط‌زیست دایم در حال تغییر است رییس سازمان باید دایم در حال سفر به مناطق باشد، چون ما در حقیقت دادستان عرصه‌های طبیعی کشور هستیم، حتی سازمان جنگل‌ها هم باید زیر نظر این سازمان باشد، رییس این سازمان باید از نظر نیروی جسمی توانمند باشد چون باید دایم به سفر برود و حدود ۳۰۰ منطقه حفاظت‌شده‌ای که داریم را از نزدیک ببیند همین‌طور محدودیت‌های دیگر را نداشته باشد، باید بتواند اگر در جایی لازم شد با قاطر از جایی به جای دیگر برود یا شب در کوه بخوابد.

ک با این تفاسیر اگر قرار باشد یک خاتم برای ریاست این سازمان انتخاب شود نظر شما چیست؟

حقیقتاً رییس سازمان اتوکشیده یا خاتم به درد این سازمان نمی‌خورد، من مخالف کار کردن خاتم‌ها نیستیم، اما محیط‌زیست حتی در حد کارهای کارشناسی هم کاری مردانه است. بگذارید یک مثال بزنم، در خوزستان یکی از کارشناس خاتم ما با یک همکار دیگری برای نمونه‌برداری از دریا رفته بودند وسط آب که گرفتار جزرزمود شدند، آب دریا پایین رفت و قایق آنها به گل نشست، تا دوباره بالاآمدن آب هم شش‌ساعت طول کشید و شب شد، شوهر این خاتم آمد لب دریا با تگرانی منتظر بود، وقتی قایق رسید و خامش را دید او را جلو دیگران به باد کتک گرفت و مواهیش را می‌کشید و او را می‌زد. خب ما این مشکلات فرهنگی را داریم، نمی‌توانیم شهر دهم خاتم‌ها می‌توانند، من می‌گویم نمی‌توانند. در مجموع نظر من این است که رییس این سازمان نباید زن باشد چون محدودیت دارد، مثل من پیرمرد هم نباشد، باید کسی باشد که توانایی جسمی کافی داشته باشد.

ک غیر از اینها چه ویژگی دیگری به نظر شما برای ریاست بر این سازمان لازم است؟ به نظر من یکی از اصلی‌ترین شاخص‌ها برای ریاست سازمان حفاظت محیط‌زیست که کم یا در واقع هیچ هم توجهی به آن نمی‌شود تسلط فرد بر زبان انگلیسی است، چون ما در بسیاری از اجلاس‌های بین‌المللی و کنفرانسیون‌های محیطی زیستی عضو هستیم و هرساله باید در خیلی از آنها مشارکت کنیم، رییس سازمانی که این زبان را ناند در این اجلاس‌ها کاله سدرش می‌رود و نمی‌تواند برای کشور هم کاری کند، وقتی رییس سازمانی به زبان مسلط باشد خیلی از مشکلاتش حل می‌شود. ویژگی آخر هم باید این باشد که به محیط انسانی هم تسلط داشته باشد. بدنه سازمان هم این فرد را بپذیرد. همین‌طور این فرد باید تیم توانمندی داشته باشد، من به شخصه نیروی ۲۰ درصدی سازمان را به نیروی صدردرسی بیرون ترجیح می‌دهم، چون نیروی سازمان تلاش می‌کند و خودش را به صد می‌رساند و در سازمان هم می‌ماند و می‌شود سرمایه، نیروی بیرونی اما هر چقدر خوب باشد آخرش اینجا نمی‌ماند و می‌رود. نیروی که از بیرون می‌آید سرش برای این سازمان و محیط‌زیست درد نمی‌کند، اولایل انقلاب و زمان شریعت‌زایی می‌خواستند سازمان محیط‌زیست را منحل کنند ما با خون دل اینجا را حفظ کردیم، خیلی‌ها نمی‌دانند اینجا چطوری با چنگ‌و دندان حفظ شده است، راحت از بیرون می‌آیند و کنار سفر آمده می‌نشینند و انتظار امکانات دارند. همین کار پردیسان که حالا ما در آن نشستیم و مصاحبه می‌کنیم به راحتی تا اینجا رسیده با مقاومت و پدبختی از آن حفظ کردیم، هر دستگاهی به یک گوشه‌اش نظر داشت، اوقات یک سمت را می‌خواست، می‌خواستند بیرون بیرون بیایند، مسکن و… خون دل‌ها خوردیم اما اینجا که می‌آیند این خون دل‌ها را ندیده‌اند. خلاصه بگویم کسی که صرفاً برای شغل و ریاست بیاید برای محیط‌زیست خوب نخواهد بود. خود من سال ۶۰ لیسانس شیمی داشتم اما شدم رییس محیط‌زیست خراسان، خیلی‌ها هم به من خرده می‌گرفتند و دست می‌انداختند، درست هم می‌گفتند. چون از طبیعت چیزی نمی‌دانستم، اما من خودم را تا دکترا محیط‌زیست رساندم و دوبار هم معاون محیط طبیعی سازمان شدم.

ک شما با این ویژگی‌ها و حساسیت‌ها برای محیط‌زیست در مدت کار تان به‌عنوان معاون آقای محمدی‌زاده با او به اختلاف نرسیدید؟
در حالی که در دوره‌ای سازمان، آقای محمدی‌زاده چاره‌ملا یکی از اختلاف‌نظرهایی که من برابریس کنونی سازمان، آقای محمدی‌زاده داشتم این بود که می‌گفتم دولت و سازمان‌ها و پیمانکاران وابسته به دولت مخربان اصلی محیط‌زیست هستند اما او معتقد بود که مردم محیط‌زیست را تخریب می‌کنند. اما مردم اقتدر توانمند نیستند که بتوانند همه محیط‌زیست را تخریب کنند و تنها به اندازه نیازشان به‌مهر برداری می‌کنند. ولی پیمانکاران وقتی مجوزی را از سازمان می‌گیرند دیگر هیچ چیزی برایشان مهم نیست و تا نهایت تخریب می‌کنند.

ک آینده محیط‌زیست را چطور می‌بینید؟ خیلی از کارشناسان تصاویری که از آینده ارایه می‌کنند بسیار تیر نور ات است؟
قایل به سیه‌امایی نیستیم، اما براساس استانداردها و شاخص‌های شناخته‌شده جهانی ما وضعیت درست نداریم و با آنها خیلی فاصله داریم. من اگر می‌توانستم کل کشور را حفاظت شده اعلام می‌کردم، چون در این سال‌ها خیلی دزدانم‌کاری کردیم، شورش‌ایعالی محیط‌زیست را منحل کردیم و وظایفش را به کمیسیون زیربنایی دولت دادیم، جایی که همه توسعه‌گرا هستند و کسی ندغدغه محیط‌زیست ندارد. من بی‌برده بگویم ما به همه جهت ضربه خوردیم، مملکتی که نتواند آب و خاکش را حفظ کند آینده خوبی نخواهد داشت. علاوه بر این مطمئن باشید در آینده نزدیک ما باید به سازمان‌های بین‌المللی به‌دلیل تخریب محیط‌زیست پاسخگو باشیم. درست مثل انرژی هسته‌ای و حقوق بشر، چون محیط‌زیست هم مرز نمی‌شناسد.

روزنامه شرق

جامعه / اندیشه

تفاوت خرداد ۷۶ و ۹۲، گفت‌وگو با حاتم قادری

فرار جامعه از خود

چرا کره پیشرفت کرد؟، درباره کتاب «نیکوکاران نابکار»

نگاه	
پارک ملی گلستان چگونه فیلم شد	
سعید نبی دبیری ـ مستندساز	

پس از سیل‌های مرداد ۸۰ و ۸۱ استان گلستان که در برخی نقاط حساس تا ۱۰متر نیز ارتفاع داشت و جان بیش از ۲۰۰ نفر را هموطنان عزیز گلستانی‌مان را گرفت و نزدیک به ۷۰نفر را مفقود کرد و بسیاری از روستاها و شهرستان‌های تابع را به زیر آب برد، ناگهان استان گلستان با این مصیبت طبیعی که بخش اعظم آن به دلیل کوتاهی‌های انسانی و تخریب مناطق بالادست به دست انسان اتفاق افتاده بود تبدیل به تیت‌ر اول بسیاری از خبرگزاری‌های داخلی و خارجی شد.

پس من هم به‌عنوان مستندسازی که دلبستگی بسیاری به این منطقه و محیط‌زیست کشور داشتم باید کاری می‌کردم. درست در همان زمان‌ها بود که وزارت راه و ترابری به بهانه ترمیم جاده طرح‌های خود را تیز کرد و گوش‌هایش را بست و با بانگ ترمیم جاده محلی پا به میدان نهاد. بعد سال ۸۳ قرار رسید و تفاهمنامه‌ای که وزارت راه‌وترابری با افتخار از آن یاد می‌کرد و با سازمان حفاظت محیط‌زیست با اقتدار به امضا رساند. تفاهمنامه برای اولین‌بار در همان سال بود که به دستم رسید. چند اصل مهم داشت؛ اول اینکه تمام مراحل اجرای عملیات بازسازی و ترمیم جاده، باید تحت نظارت مستقیم سازمان حفاظت محیط‌زیست انجام گیرد. دوم اینکه عملیات شامل فقط بازسازی و تعمیر بخش‌هایی از جاده است که در اثر وقوع سیل از دست رفته است و سوم این بود که در بخش‌هایی که جاده کاملاً از بین رفته، عرض جاده‌ای که قرار است به جای آن ساخته شود و همچنین در دیگر بخش‌های مورد ترمیم، به هیچ عنوان نباید از ۱/۶متر تجاوز کند و از همه مهی‌تر پایان این عملیات بود که باید طرف دوسال به اتمام می‌رسید. اما این تفاهمنامه به نظر برای فعالان محیط‌زیستی شیبه‌ای داشت و آن وجود این اصل بود که همزمان با اجرای عملیات بازسازی، اعتبار راه شمالی تامین شود تا جاده اصلی تهران- مشهد به پایان پارک ملی منتقل شده و جاده کنونی به‌عنوان محور گردشگری مورد استفاده قرار گیرد، چراکه بر اساس قوانین پارک‌های ملی در ایران و همچنین دیگر کشورها، عبور هر جاده‌ای از درون پارک ملی ممنوع است. من در این دوران بارها به پارک ملی سفر کردم و عکس‌های زیادی گرفتم. آنچه ملاحظاتم نشان می‌داد که اتفاقاتی در پارک ملی بود و مشغول تعریض جاده در بستر رودخانه شده بود. اقدام به قطع بی‌شمار درختان پارک، تخریب پوزه‌های سنگی، تخریب، کوبیده‌شدن و تخلیه شن‌وماسه بخشی وسیعی از بستر رودخانه برای مسیر جاده کرده بود و با ایجاد دیواره‌های بتونی شمالی- جنوبی به ارتفاع بیش از شش‌متر در امتداد جاده که ارتباط دومنطقه جنگلی شمال و جنوب واقع و حیات وحش این دومنطقه را با مشکل تردد به زیستگاهشان مواجه می‌کرد اقدام به احداث کارخانه ماسه‌شویی و سنگ‌شکنی در داخل پارک کرده بود.

البته زمان انجام عملیات نیز به درازا کشیده و به جای دو سال، اکنون که سال ۸۷ بود و من نیز برای تصویربرداری با تیم تولید یکبار دیگر به آنجا رفتم همچنان در حال انجام بود. از همه مهی‌تر اینکه هیچ قدمی برای خروج جاده از درون پارک ملی برداشته نشده بود و هر چند تامل داشت و نهم این انتقال را تصویب کرده بودند، اما نه بودجه‌اش تامین شد و به به اقدامی جدی برای آن صورت گرفت که باید باقدرت بگویم که خیانت بزرگ بر تاریخ محیط زیست کشور صورت گرفت، به‌طوری‌که عرض جاده ترمیم‌شده و در برخی نقاط از ۵۰ متر هم فراتر رفت؛ در واقع جاده محلی پارک ملی به یک ازادراه انسانی تبدیل شد. در این دوران دایما این مهم که فاصله واعظ جوادی رییس وقت سازمان محیط‌زیست چطور دلش آمده در سال ۸۵ دستور قطع جاده را صادر کند به ذهنم می‌خورد و به خودم می‌گفتم این محیط‌بانان قهرمان در مقابل حفظ جان طبیعت و حیات‌وحش این منطقه ۹۱هزارهکتاری از جان خود روزها و شب‌ها گذر می‌کنند اما دولت با ماشین‌های صنعتی اینگونه.. به‌هرحال ایشان رفت و فرد دیگری آمد و این حرف‌های مدیران وقت محیط‌زیست از پادمان نرفت که شهرپاری مدیرکل وقت محیط‌زیست استان گلستان در تاریخ ۸۵/۷/۲۳ گفت: توافق انجام‌شده بین سازمان محیط‌زیست و وزارت راه و ترابری مانند عهدنامه ترک‌مانچای بود و دلاور نجفی معاون طبیعی و تنوع زیستی وقت سازمان حفاظت محیط‌زیست گفت این راه هیچ‌گونه ارزشی زیست‌محیطی ندارد و محمود شکبیا معاون وقت محیط طبیعی اداره محیط‌زیست استان گلستان نیز از آمار کشته‌شدن پستانداران پارک ملی گلستان گفت که بسیار بالاست و تنها در سال ۸۴ بیش از ۱۳۰ گونه حیوان قربانی این جاده شده‌اند. باری ساخت قیلم به صورت جدی هشت‌سال طول کشید چراکه سال‌های ۸۹، ۹۰ و ۹۱ را در بهار، تابستان، پاییز و زمستان در پارک ملی زندگی کردیم، از دشت میرزابابلو گرفته، تا تپه‌های استیتی و ماهوری، کوه‌های آلمه و جنگل‌های انبوه منطقه بیلی کوه و سلوگرد و خوجه نارنج تا صخره‌های آدام چاق‌ران و جنگل‌های تنک و انبوه جنوبی را در این فصول بارها و بارها طی کرده و ساعت‌های زیادی در گرما و سرما به انتظار دریافت تصاویر بی‌نظیری از پلنگ و خرس و مرال و آهو، قوچ و میش، کل و بز و سایر خزندگان و جوندگان پارک با همسرم مریم خدیوی، رضا تیموری، اصغر عبدلی، قاسم سعدی‌زاده و علی رستاقی به کمین نشستیم تا در کنار جاده‌ای که در سال ۹۲ تبدیل به بزرگ‌راهی آسیایی به عرض بیش از ۵۰متر شد،

آنچه «زیست بوم وطن» می‌طلبد!

محسن تیزهوش

در سال‌های اخیر محیط‌زیست ایران شرایط بحرانی بسیاری را به دلیل بی‌تدبیری‌های مختلف تجربه کرده است؛ نبود برنامه جامع در کنار انتخاب رویکردهای سطحی در برخورد با مسایل پیچیده اکولوژیکی شرایط را برای زیست‌بوم وطن به خط قرمز رسانده است! آنچه در سالیان اخیر بر شرایط زیستی این سرزمین رفته است، بی‌شک حاصل عدم برنامه‌ریزی صحیح و راهبردی، توسعه ناپایدار و عدم استفاده از متخصصان در جایگاه درست بوده است؛ بدون تردید عدم استفاده از برنامه‌های صحیح براساس توانایی‌های هر استان، در کنار نگاه ناصحیح به موضوع حساس محیط‌زیست اسباب ازین رفتن پایداری‌های زیستی سرزمین را فراهم آورده که هنوز هم می‌توان با کمک متخصصان این حوزه شرایط را به سمت آرامش سوق داد.

اما به‌راستی امروز چه کسی می‌تواند پاسخگوی آنچه بر جای‌جای این سرزمین تحمیل شده است، باشد هنگامی که کلاشهرهای ایران درگیر آلایندگی‌های خطرناک بوده و میلیون‌ها انسان هرروز در معرض سمی‌ترین ذرات آلوده بوده و زیست‌ن را به رنگ ثبات از یاد بردانند! از نسوی دیگر استان‌های غربی کشور در یک‌دهه اخیر به واسطه حضور ذرات ریز معلق، آسمانی‌خاستری را تحمل می‌کنند تا ربه پاک مردمان راگوس تیرگی را میزبانی کند و کاشمان همواره مزه خاک دهد! به دیگر سخن، در سالیان اخیر آلودگی‌های محیط‌زیست به گونه‌ای بر زندگی مردم سایه انداخته که افزایش بیماری‌های خاص و کاهش طول عمر از پیامدهای منفی آن است. در مقابل برای کاهش، کنترل و بهبود شرایط اقامات شایست‌های صورت نگرفته یا اگر برنامه‌ای برای بهبود شرایط نوشته شده به محاق بی‌تدبیری رفته است؛ در این شرایط چه می‌توان گفت جز اینکه عامل اصلی در اولویت نبوده محیط‌زیست، عدم برنامه‌ریزی صحیح در برخورد با بحران‌های خاص اقلیمی و عدم استفاده شایسته از متخصصان بومی کشور در برنامه‌های کلان بوده است؟

این در حالی است که در یک دهه اخیر امواج تخریب در مناطق طبیعی مرزهای هشدار را در کرده و تگرانی‌های بسیاری را برای پایداری آینده و حفظ اندوخته‌های زیستی به وجود آورده است؛ در این بین و با وجود مشکلاتی که امروز همگان می‌توانند حقالق بخشی از آن را در محاسبه لمس کنند عده قابل‌توجهی از دانش‌آموختگان رشته محیط‌زیست و قهرمان در مقابل حفظ جان طبیعت و حیات‌وحش این منطقه ۹۱هزارهکتاری از جان خود روزها و شب‌ها گذر می‌کنند اما دولت با وعده‌های پوچ روی آورده‌اند!

امروز محیط‌زیست کشور به دلایلی که تنها برخی از آنها در بالا ذکر شد، مرزهای هشدار را یکی پس از دیگر رد کرده و تنها راه‌حل نجات این سرمایه ارزشمند برنامه‌ای جامع، مانع و خرمندانه است؛ برنامه‌ای که بر مبنای اصول ارزیابی‌های اکولوژیکی هر منطقه تنظیم شود تا شاهد بهبود شرایط فعلی و حرکت به نسوی پایداری‌های زیستی سرزمین باشیم. امروز در شرایطی که زیست بوم وطن بیش از گذشته نیازمند ثبات و اعتدال در برخورد توسعه با طبیعت است، باید اصلی‌ترین خواسته‌خویش را به‌عنوان حامیان محیط‌زیست کشور «رعایت اعتدال و استفاده از برنامه‌های آینده‌نگر در بین پیشرفت‌های اقتصادی، حفاظت از محیط‌زیست و اقدامات راهبردی توسعه» قرار داده تا شاهد شکوفایی «توسعه پایدار» در ایران باشیم.